



پی‌راگتتم: به ما شد عرصه تنگ
جز شکیبایی چه باشد راه‌ها؟

توی دنیای پراز اندوه و جنگ
خنده کرد و داد پاسخ: «شهروند»

سیفون

یعنی من روانی‌ام؟



یاسر نوروزی
طنز نویس

پدرم موقع خوشحالی همیشه راه می‌رفت. جنب‌و‌جوش زیادی پیدا می‌کرد و آن روز می‌دیدم که دایم در حال حرکت است. از روی میل بلند می‌شد، داخل پذیرایی می‌چرخید، بعد به آشپزخانه می‌آمد، سری به اتاق می‌زد و ناگهان می‌دیدم رفته سمت یخچال و مراصدا می‌زند که: «هستی به چی زل زدی؟ بدو سرشو بگیر!» در واقع شادی‌اش را در حال کردن ما پخش و پلا می‌کرد. البته این سرور و شادمانی فوری ته می‌کشید و می‌دیدم نشسته یک گوشه و عرق می‌ریزد. شبیه بادکنکی که آن را باد کنند، باد کنند، باد کنند و قارت! مسادم می‌گفت: «باز این چتی شده!» حق هم داشت، چون صبح روزی که از آن حرف می‌زنم، مادرم و دو قلوها رفته بودند مسافرت و جهنم من شروع شده بود. چهنمی که ناگهان پدرم را روی مود شادی دیدم و با خودم گفتم بدبخت شدی بیچاره! چون پدرم بلند شد، لباس ورزشی پوشید، چندبار دور اتاق چرخید و مراهم مجبور کرد صبح تعطیل تابستان. کله‌سحر، دنبالش بدم. بعد با هم دمبل زدیم، شننا رفتیم و از روی طناب‌های فرضی پریدیم. بعد هم طبق معمول ایستاد و عرق‌ریزان نگاه می‌کرد پدربزرگم انداخت و گفت: «نه هیچ خوب نیست! سرشو بگیر!» این بار مقصودش تابلوی بچه‌گریان بود که تا یک ساعت بعدی من آن را جابه‌جا می‌کردم و پدرم همان‌طور مقدار اون‌ورتر! تابلوی با سیمه و بدبختی که به او گفته بودند اثری مشهور از نقاشی گمنام است که بعدها قیمت پیدا می‌کند و کل فک و فامیل‌مان را به مال و منالی هنگفت می‌رساند! آن قدر که می‌توانیم یک تا آخر عمر بنشینیم و از آن بخوریم. یک مقداری هم اگر تند می‌رفتیم، داد می‌زد: «مرایب باش! تو که می‌دونی اون چه عتیقه‌ایه!» یا خودم فکرم می‌کردم اگر ارزش دارد، چرا خودش بلند نمی‌شود آن را جابه‌جا کند اما پدرم در اواخر سوخت خوشحالی به سر می‌برد و می‌دانستم همین حال است که بختد روی میل. با دست اشاره می‌کرد و من که روبرویش ایستاده بودم، تابلو را راست و چپ می‌کردم تا دقیقاً باب میلش باشد. بعد هم بلند شد، روی دیوار میخ کوبید و تابلو را مستقر کرد. جایی که به نظرم با جای قبلی تفاوت چندانی نداشت. پایان کار که ولو شده بود، روی میل گفتم: «پدر! امکان داره این به مشکل درونی باشه؟» از گوشه چشم نگاهم می‌کرد، گفتم: «چی مشکل باشه؟» گفتم: «یا لاخره این وسواس شما برای جابه‌جایی وسایل... چشم از من برنی‌داشت. گفتی: «یعنی من روانی‌ام؟ دیوونه‌م؟ مشکل روحی دارم؟ عقب‌موندن ذهنی‌ام؟» کم‌کم جلو می‌آمد و دستش را توی صورتم تکان می‌داد. گفتم: «نه بابا من کی اینها رو گفتم. فقط گفتم به هر حال...» عقب که می‌کشید، گفتم: «ببند دهن تو!» و ماجرا به این منوال تمام شد اما نصفه‌شبه دیدم ایستاده بالای سرم. از جابم بلند شدم و گفتم: «چی شده پدر؟» آرام، طوری که اعضای خانه نشنوند، گفتم: «تو آخرش منو می‌بری سالمندان!» همان‌طور که چشم‌هایم را می‌مالیدم، گفتم: «این چه حرفیه پدر؟» بلندتر گفتم: «می‌بری! می‌بری تا از شرم خلاص بشی!» یا تعجب گفتم: «آخه نصفه‌شبه اینو اومدید بگید. خوب نمی‌برم، زور که نیست!» خم شد و بقیام را گرفت. هم‌زمان تکلم می‌داد و گفت: «می‌بری، من اشتباه نمی‌کنم، بالله بگو که می‌بری!» ناچار گفتم: «باشه، می‌برم!» انگار خیالش از بابت پیش‌بینی‌اش راحت شده باشد. گفتم: «مطمئن بودم» و رفت بیرون.

دولت انگلیس وزیر جدیدی را با عنوان «وزیر امور تنهایی» منصوب کرد

شعار وزارتخانه: یک دست صفا ندارد!

پیش‌بینی شهرونگ از سال آینده همین موقع:
◀ استیضاح وزیر به دلیل دخالت در نحوه تنهایی انجام دادن برخی امورا
◀ درگیری لفظی وزیر امور ارتباطات با وزیر امور تنهایی در جلسه تنظیم بودجه!
◀ به دلیل تخصیص وام به افراد تنها، آمار طلاق در انگلیس هشتاد درصد بالا رفت!
#دلا_خونکن_به_تنهایی_که_از_تنهایی_بل_خیزد_#هیچ_کس_همراه_نیست_#شهروند

دیوال! می‌خندی؟ باید بخونیش!

استخدام نیروی کار خدمات / ۲ روز پیش

به چند نفر گرافیک حرفه‌ای، خلاق و باتجربه، مسلط بر نرم افزار Paint ویندوز ایکس پی ۳۲ بیتی، جهت طراحی پوستر بزرگترین رویداد کشور در حوزه تئاتر، نیازمندیم! متقاضیان می‌توانند با ارائه رزومه و نمونه کار به وزارت فرهنگ و ارشاد مراجعه نمایند. شرط سنی: ۷ سال به بالا

محل: پارک دانشجو
قیمت: توافقی

آموزش نوازندگی به بانوان خدمات / ثابت

این آگهی به علت تذکر وزارت محترم فرهنگ و ارشاد توسط ناظر از سایت حذف شده است.

محل: اصفهان
قیمت: توافقی

گلدان فرهنگی / فروشی / ۲ ساعت پیش

گلدان سفالی درجه ۱ ابعادش فوق‌العاده بزرگه جوریه که ما به راحتی باهاش تونستیم کل اجرای ارکستر ملی رو بدون ذره‌ای دیده شدن هیچکدوم از آلات شنیع موسیقاییش بصورت زنده پخش کنیم. فروش بعثت کسری بودجه. تماس بی‌مورد = پخش اعترافات از ۲۰:۳۰

محل: صداسیما
قیمت: توافقی

احسان گنجی | کارتون‌نویس | ehsanganj58@gmail.com



شهروند | Ehsan...

فلکه اول



شهاب نبوی | جدیداً مد شده یکسری از افراد وقتی خودشان یا همسرشان بار دار می‌شوند، برای به دنیا آوردن بچه‌شان می‌روند به یکی از کشورهای خارجی. حال نه همین دوروبر، گرجستان و ارمنستان و جمهوری آذربایجان و حتی روسیه، کشورهای خیلی خارجی مثل آمریکا، کانادا، البته این قضیه مخصوص کسانی است که دستشان به دهن و باقی جاهایشان می‌رسد و گرنه ما که اگر حرف در و همسایه و فک و فامیل نبودم مثل بابابزرگمان قابل‌رامی آوردیم و وسط حال و پذیرایی تحفه جدیدمان راه به دنیا عرضه می‌کردیم. حالا من قسمتی از مکالمه احتمالی زن و شوهری پولدار که قصد زایمان در خارج کشور دارند، برایتان می‌آورم. زن: «عزیزم مادریم بچه‌دار می‌شیم.» مرد: «چطوری؟ از کجا؟» خانم: «اولا چطوری و از کجا رو تو باید بگی دیگه. حالا به هر حال من نمی‌ذارم بچم این‌جا به دنیا بیاد. باید بریم خارج از کشور.» مرد: «خب عزیزم که تازه از خارج اومدیدم داخل اگه می‌خواستی حمله بشی تا اون‌جا بودیم می‌شدی که این همه راه دوباره نتوایم برگریم دیگه.» زن: «عشقم،

کف دستم رو بو نکرده بودم که بپویی شد. حالا می‌گی چه کارش کنم؟» مرد: «آره حیفه که بچه به ملیتی باشه. پس فردا پیش هم‌سوسالاش کلی خجالت می‌کشه من اصلا می‌گم بیا جای به کشور، توی چندتا کسب‌و‌کار زایمان کن که بچه فردا حق انتخاب بیشتری داشته باشه.» زن: «وا، مگه می‌شه یعنی چی؟ یعنی هر قسمتش رو به جادو بیاریم؟ حالا باز بنار به مشورت با وکیل مون بکنیم، شایدم شد. اسمش رو هم باید بین المللی انتخاب کنیم هرچی هم سخت‌تر و غیر قابل تلفظ تر بهتر. اصلا به چیزی باید بناریم که غر بیهان‌تونن صادقش کنند. این جور ی امنیت بچه هم بیشتره فقط باید این رو به بچه یاد بدیم که اون هر کجای دنیا باشه، به وطن پرست ایرانیه. راستی قبل رفتن مون یادت باشه عکس برو فایلمون رو بکنیم پرچم ایران. به سرچ هم تو گوگل بکنیم و به متن میهن پرستانه که هیچ‌جای دنیا وطن آدم نمی‌شه و اینا کی می‌کنیم بناریم تو بیخ‌مون.» مرد: «آره دو تا پرچم هم بگیریم و بپریم، وقتی بچه به دنیا اومد، بیچیمش لای پرچم و عکس بگیریم، بناریم اینستاگرامش.» زن: «آره، عالی‌ه. قریون اون هوش و خلاقیت با پای بچم برم من.»

دل‌می‌خواد به دانشگاه برگردم...



حسام حجیری | طنز نویس

ضمن تبریک پایان امتحانات دانشگاهی و با آرزوی روی نمودار رفتن همه نمرات و یا یادآوری این نکته مهم که مشروطی و افتادن حق همه دانشجویان است، آموزش این هفته را شروع می‌کنیم

در این هفته به «مراقبت‌های پزشکی در زمان تعطیلی دانشگاه» خواهیم پرداخت. تحقیقات علمی نشان می‌دهد که تعطیلات دانشگاه در فاصله بین دو ترم، عامل شکل‌گیری بسیاری از بیماری‌ها در دانشجویان است. پژوهشگران ثابت کرده‌اند مسخره نکردن نحوه حرف‌زدن و راه رفتن اساتید در زمان تعطیلی دانشگاه باعث بروز افسردگی حاد و مشکلات روانی می‌شود.

همچنین تحقیقات انجام‌شده روی ۱۲۰ دانشجوی کارشناسی که به صورت غیرمستقیم و از نوع دوسوی خبر انجام گرفته، نشان می‌دهد این دانشجویان که در طول ترم به خوابیدن زیاد در کلاس درس و روی صندلی‌های سخت عادت کرده‌اند؛ کم‌کم نتوان خوابیدن عادی و روی تخت را از دست داده و بعد از تعطیلی دانشگاه نمی‌توانند به صورت صاف بخوابند. بر اثر این بیماری که به «سندروم کلاس ساعت ۲

بعدها ظهر» معروف است؛ بیمار بعد از هر یک‌ریز خوابیدن، از جا پریده و از اطرافش می‌پرسد: «حضور و غیاب کرد؟»

بی‌اشتهایی، مشکل شایع دیگری است که در این دوره زمانی شدت فراگیر می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد دانشجویانی که به دلیل استفاده مداوم از غذاهای سلف دانشگاه دارای دندان‌های قوی و قوای هاضمه توانمندی شده‌اند؛ بعد از تعطیلی دانشگاه، دیگر نمی‌توانند از غذاهای معمولی و خانگی استفاده کرده و توانایی هضم غذا را به مرور زمان از دست داده و لاغر و مردنی می‌شوند.

در یک نمونه نادر، محققان به دانشجویی در یک پژوهش دیگر، ۹۰ درصد از مصاحبه‌شوندگان که از افسردگی رنج می‌برده‌اند، اعلام کرده‌اند که بازی‌های موبایلی و استعمال قلیان را صرفاً به خاطر حضور در کلاس و هیجان پنهان ماندن از اساتید انجام می‌داده‌اند و در فضای آزادانه‌ای به این کارها نماندند. آنها همچنین دلیل بی‌حالی خود را دور بودن از مخاطب خاصی

که در طول سال تحصیلی در ردیف اول کلاس نشسته و به آنها آمار می‌داده است؛ اعلام کرده‌اند. آنها که به دبیزدن فرد مورد نظر از ته کلاس و آمار بازی و تکیه و تا کا عادت داشته‌اند؛ بعد از پایان امتحانات، بر اثر فکر خیال‌توانایی بینایی خود را از دست داده و به مرور کور شده‌اند.

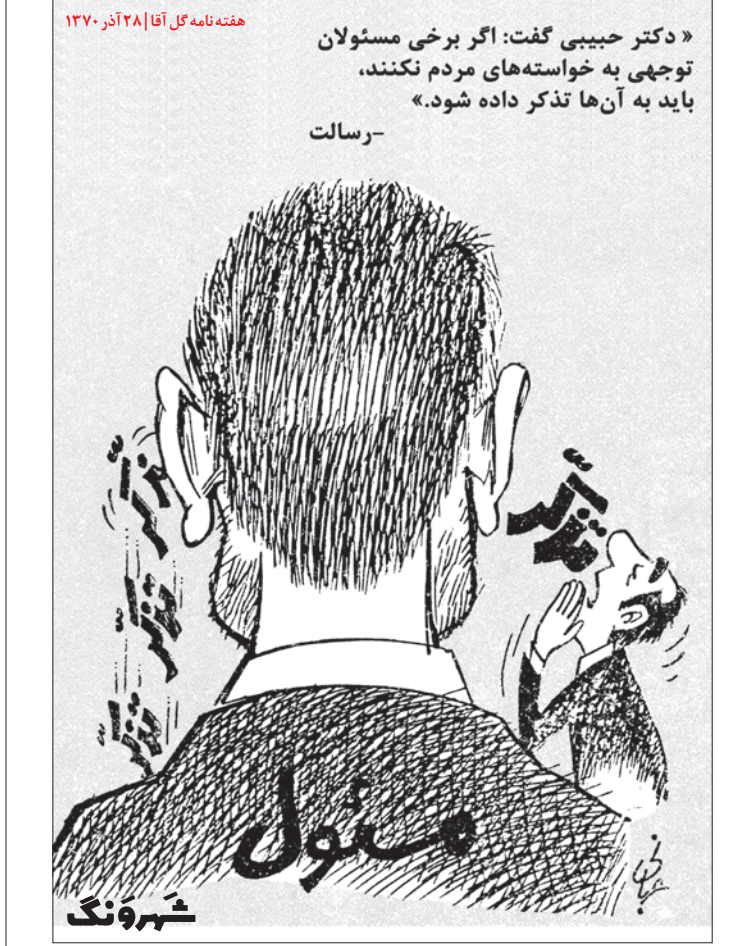
در پایان این تحقیقات تقریباً تمام دانشجویان مورد بررسی با مرگ فقیعی از دنیا رفتند و تعداد کمی که توانستند به سلامت این دوره خطرناک را سپری کنند، در امتحانات ترم بعد مشروط شدند. موارد بالا تنها چند نمونه ساده از مشکلات مهمی است که ممکن است در دوران تعطیلی دانشگاه گر بیانگر دانشجویان شود. به همین خاطر رعایت موارد بهداشتی زیر در هنگام پایان ترم بسیار ضروری است. با حفظ رکورد ۱۶ ساعت خواب در طول روز و تمرین چرت‌زدن روی صندلی، توانایی خود برای حضور در کلاس‌های ترم بعد را حفظ کنید.

در هنگام تعطیلی دانشگاه با حضور در گروه‌های تلگرامی به در آوردن ادای اساتید ادامه داده و خاطرات دانشگاه را مرور کنید.

در صورتی که امکان رفتن به دانشگاه و آمار بازی یا مخاطب خاص را ندارد؛ کلاس را به خانه آورده و به تحصیل ادامه دهید.

حتی‌الامکان از فرآیند تحصیل شدن خودداری کرده و به درس خواندن ادامه دهید. موفق باشید.

شهر فرنگ | احمد عربانی | کارتون‌نویس



شهروند